



به مردی آرام می‌اندیشم  
که چیزی را توضیح نمی‌دهد  
و از هیچ چیز دفاع نمی‌کند،  
اما نشانی آن‌ها که نادرترین گل‌های وحشی می‌شکوفند، را بلد است  
و به آن‌ها می‌رود  
و خود را بی‌اختیار در حال لب‌فند زدن می‌یابد.

و نِیلِ پِری